

آفریقایی

ژان - ماری لوکلزیو

ترجمه: آناهیتا تدین

با سلام و پوزش

ژوی جلد «ژان ماری لوکلزیو» اشتباه است.

و صحیح آن «ژان ماری لوکلزیو» است.

نشر روزگار

لوکلزیو، ژان - ماری گوستاو، ۱۹۴۰ - Leclézio, Jean- Marie
Gustave آفریقایی / ژان - ماری گوستاو لوکلزیو؛ ترجمه اناهیتا تدین؛
ویراستار علی خدرلی، - تهران: روزگار، ۱۳۸۴.
۱۵۲ ص.: مصور.

ISBN: 964-374-090-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. لوکلزیو، ژان - ماری گوستاو، ۱۹۴۰ - Marie — Leclézio, Jean-
Gustave دوران کودکی و جوانی. ۲. نیجریه — سیاست و حکومت. الف. تدین،
اناهیتا، ۱۲۵۷ - مترجم. ب. عنوان.

۸۴۳ / ۹۱۳

۸۶ ی / PQ۲۶۸۰

۲۱۵۹۶ - ۸۴

کتابخانه ملی ایران



نشر روزگار

آفریقایی
نویسنده: لوکلزیو، ماری گوستاو

ترجمه: اناهیتا تدین

ویراستار: علی خدرلی

چاپ اول: ۱۳۸۵

شمارگان: ۲۰۰۰

چاپ و صحافی: دهکده

دفتر: خ انقلاب - خ فلسطین جنوبی - خ وحید نظری - پلاک ۴ - واحد ۳

تلفکس: ۶۶۴۱۰۴۶۲ - ۶۶۹۷۲۷۸۵

شابک: ۰۹۰-۰۰-۳۷۴-۹۶۴

ISBN: 964-374-090-0

مقدمه

لوکلزیو در ۱۳ آوریل سال ۱۹۴۰ در شهر ساحلی نیس، در فرانسه به دنیا آمد. اجدادش در اصل اهل برتاین بودند و در قرن هجده به جزیره موریس واقع در قاره آفریقا مهاجرت کردند. وی هم‌اکنون زنده است و علاقه خاصی به سفر و نوشتن دارد. از سن هفت سالگی دست به قلم برده و بی‌وقفه می‌نویسد: شعر، قصه، داستان کوتاه، حکایت. ولی اولین اثر چاپ شده وی کتابی است به نام «صورت جلسه».

وی اولین شاهکار ادبی خود، یعنی «صورت جلسه» را در سال ۱۹۶۳، در حالیکه تنها بیست و سه سال سن داشت، چاپ کرد و برنده جایزه «رونودت» شد. در سال ۱۹۸۰ کتاب «بیابان» وی به عنوان یک شاهکار ادبی درخشید و جایزه بزرگ «پل موراند» را از آن خود نمود. در سال ۱۹۹۴ به عنوان بزرگترین نویسنده زنده فرانسه شناخته شد. در سال ۲۰۰۴ جایزه مخصوص آ.راف.اُ به کتاب «آفریقایی» وی تعلق گرفت. این کتاب به سرعت در بین

روشن فکران جا پیدا کرد و مورد نقد و بررسی نقادان بزرگ قرار گرفت.

سبک نوشتاری لوکلزیو تا قبل از دهه هشتاد رمان نو بود که در جنبش معروف ماه می سال ۱۹۶۸ نقش بسیاری ایفا کرد، اما پس از دهه هشتاد سبک نگارش وی به کلی تغییر کرد و از آن پس در چهار چوب رمان های پست - مدرنیسم و پسا استعمار قلم زد. و پس از آن به عنوان بزرگترین نویسنده - مسافر کشور فرانسه شناخته شد و به یکی از پر شور و حال ترین مدافعین چند فرهنگ گرایی در فرانسه بدل گشت.

نوشته های وی شامل مردم شناسی، فلسفه، سفرنامه، تاریخ و زیباشناختی است. و این مجموعه های بین المللی باعث شده است، چند تن از بهترین متخصصان اروپای غربی و آمریکای شمالی گرد هم آیند و در مورد موضوعات میان متنی، و میان فرهنگی در آثار لوکلزیو به بحث و گفتگو بنشینند.

وی بسیاری از رساله های خویش را وقف قبایل چادرنشینی کرده است که رو به نابودی هستند. قبایلی همچون سرخ پوستان پاناما، بربرهای مراکش و ...

لوکلزیو رنج های بشری را به گونه ای متفاوت به تصویر می کشد و خواننده را در آن سهیم می کند، قدرت جادویی قلم وی برای

انتخاب واژه‌ها و نگاه تیزبینانه‌اش به مسائل این کار را برایش سهل و آسان کرده است.

استعداد قصه‌گویی و سبک درخشانش، وی را در ردیف برجسته‌ترین چهره‌های ادبیات فرانسه قرار داده است.

واقعیت در آثار لوکلزیو محسوس و دوست داشتنی است. از انسان‌هایی که چشم‌های خویش را بر حقایق بسته‌اند، دوری می‌کند. از آن‌هایی که به دلیل تحصیلات، شغل و شرایط زندگی از نگاه کردن دست شسته‌اند، می‌گریزد. از آن‌هایی که در بی‌تفاوتی غوطه‌ورند و یا از خیال و توهم تغذیه می‌کنند، بیزار است. تفکراتی چنان دقیق را جانشین توهم و رویا می‌کند که انسان را منقلب می‌سازد. لوکلزیو موشکافانه از جوامع خرده می‌گیرد. بعد از سورئالیست‌ها لوکلزیو چیز غیرقابل وصفی را، در یک اتفاق عادی و رخداد باورنکردنی را، در پیشامدی که هر روز تکرار می‌شود، مشاهده می‌کند. تلاش می‌کند ماسک‌هایی را که بشر به چهره زده است تا راحت‌تر در کلیشه‌ها، قانون و قواعد و بی‌خیالی دست و پا زند، از چهره‌ها بردارد.

در یک کلمه، لوکلزیو هر کلمه را برای همه می‌نویسد و هر کس، در هر دفعه، کلمات وی را برای اولین بار می‌شنود.

کمی در مورد کتاب «آفریقایی»

ژان - ماری لوکلزیو گذری خیره کننده از یک کودکی آزاد و درعین حال پر تلاطم را در این کتاب به تصویر می کشد و تجاربی عمیق و آموزنده از آفریقا را با خواننده تقسیم می کند. سال ۱۹۴۸ است. هشت سال سن دارد. همراه مادر و برادرش شهر نیس را به منظور پیوند با پدر ترک می کند، پدری که در نیجریه مشغول طبابت است و در طول دوران جنگ، همان جا، دور از زنی که دوستش دارد و دو فرزندش که بزرگ شدن شان را ندیده است، زندگی را سپری می کند.

توانایی و زیبایی این کتاب دقیقاً در همزمانی و ادغام دو تعریف است، تعریف آفریقا و پدر. و آنها را همچون دو سرزمین رویایی به تصویر می کشد. ملاقات با آفریقا است که این کتاب را همچون یک اتوپرتره می گشاید: آفریقا بسیار خشن تر، تابناک تر و متأثرکننده تر از آن چیزی است که یک کودک در ذهن دارد، کودکی که برای اولین بار قدم بر خاک این قاره می نهد.

بنابراین جهان را با روشی بی سابقه، تند، صمیمی به تصویر می کشد: آزادی اندام ها، مواد جادویی قاره ای که همه چیز در آن بیش از حد معمول است، آفتاب، طوفان، پوشش گیاهی، باران و حشرات. قاره ای که برای همیشه مجاورت اندام ها با طبیعت را

تعلیم می‌دهد. در این کتاب تمامی این‌ها به گونه‌ای صریح به تماشا گذاشته شده است.

برای موزون کردن ظهور این خاطره ملموس، عکس‌هایی همراه است، عکس‌هایی سیاه و سفید که پدر با دوربین قدیمی‌اش گرفته است، عکس‌هایی که حکم دفترچه خاطرات مردی را دارد که هرگز نتوانست واقعاً پای صحبت فرزندانش بنشیند، مردی دلشکسته از حرفه‌اش، از دوری خانواده‌اش، از شرایط غربت.

ژان - ماری لوکلزیو با روشن‌بینی و تسامح از چهره پدر، خشونت، خشکی و فقدان عشق و محبت‌اش پرده برمی‌دارد، اما هرگز به قضاوت پدر نمی‌نشیند. وی حتی دست به نگارش لحظات خوشبختی والدینش می‌گذارد، لحظات خوشبختی آغاز عشق، پیش از به دنیا آمدن فرزندانشان. و به دنیا آمدنش را نه تنها در این لحظات خوشبختی، بلکه در رازی که آفریقا برایش فاش ساخته است، نمایان می‌سازد، راز یادگیری به دنیا آمدن، نگریستن و کشف کردن زندگی، پیش از آنکه چشم از این جهان فرو بندد.

هم‌اکنون بسیاری آن‌هایی که قلم برمی‌دارند و اتوبیوگرافی می‌نویسند همچون سیاست‌مداران، ستاره‌های سینمایی، یا مردمانی که زندگی متفاوت از بقیه دارند، پس چرا اتوبیوگرافی لوکلزیو تا این اندازه می‌درخشد؟ لوکلزیو فروتنانه منتظر می‌ماند تا شصت سال از سفرش به آفریقا بگذرد و سپس یکی از زیباترین کتاب‌های

به وجود آمدن انسان حاصل یک پدر و مادر است. می‌توان آن‌ها را شناخت، دوستان نداشت، به آن‌ها شک داشت. اما آن‌ها اینجا هستند، با چهره، منش، رفتار و شیدایی‌شان، پندارها، امیدها، شکل دست‌ها و انگشتان پایشان، رنگ چشم‌ها و موهایشان، روش گفتار، تفکرات و احتمالاً سن فوت‌شان، تمامی این‌ها گذشته ماست.

مدتها در رویا می‌دیدم که مادرم سیاه‌پوست است. داستانی برای خود خلق کردم، یک گذشته، داستانی برای گریز از واقعیت بازگشتم به آفریقا، به این کشور، به این شهر، جایی که کسی را نمی‌شناختم، جایی که دیگر با آن غریبه شده بودم. سپس، هنگامی که پدرم، در سن بازنشستگی، به فرانسه برگشت تا با ما زندگی کند، متوجه شدم که در اصل، این پدرم بود که آفریقایی شده بود. پذیرفتن تمام این مسائل دشوار بود. باید به گذشته برمی‌گشتم، از نو شروع و سعی در فهمیدن آن می‌کردم. و به یاد آن، این کتاب کوچک را نوشتم.

تاریخ ادبیات فرانسه را می‌نگارد. کتابی بی‌نظیر که خواننده تمام نشانه‌های هنر را در آن می‌بیند و همراه هر کلمه نویسنده به گذشته بر می‌گردد و زندگی را از نو می‌سازد.

آفریقایی کتابی است که در آن هیچ اتفاق خاصی نمی‌افتد اما هنر آن در این است که هیجان کشف آفریقا را از دیدگاه کودکی هشت ساله به خواننده منتقل می‌کند. نه یک کودکی که در میان مستعمره‌نشین‌ها، در میان سفیدپوستان تبعیدی زندگی می‌کند، بلکه کودکی که همراه خانواده‌اش، به دور از سفیدپوستان در مرغزار روزگار می‌گذراند.

آنچه که لوکلزیو از آفریقا تعریف می‌کند و تمام آنچه که از آفریقا تعریف نمی‌کند و آنچه که از آفریقا می‌گوید و آنچه که از آفریقا نمی‌گوید. همه و همه تأثیری عمیق بر خواننده می‌گذارد. آفریقایی تنها یک اتوبیوگرافی ساده نیست بلکه کتابی است تاریخی که با ظرافت تمام آن را اصلاح کرده است.

ژان - ماری لوکلزیو با صمیمانه‌ترین، ملموس‌ترین و واقعی‌ترین احساسات، کتابش را قلم می‌زند.

آناهیتا تدین